

بسمه تعالی  
**امتحانات تکمیل نواقصی – آبان ۱۳۹۲**

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه  
 معاونت آموزش  
 اداره ارزشیابی و امتحانات  
 کمیسیون طرح سؤال

پایه :	۴	موضوع :	فقه ۲
تاریخ :	۹۲/۰۸/۰۸	ساعت :	۱۴

نام کتاب: شرح لمعه، از اول صوم تا اول متاجر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

- لو عاد الجنب إلى النوم نائياً للغسل ليلاً بعد إنتباهة واحدة مع احتماله للإنتباه عادة فأصبح جنباً ...  
 ا. يقضى ولا يكفر ☒ ب. يقضى و يكفر ☐ ج. لا يقضى ولا يكفر ☐ د. لا يقضى بل يكفر ☐ ۳۸۷/۱
- کدام یک از موارد زیر، هم با یک شاهد مرد و دو زن و هم با یک شاهد مرد و قسم ثابت می‌شود؟  
 ا. خُلْع ☐ ب. حد سرقت ☐ ج. قتل خطائی ☒ د. شرب خمر ☐ ۱۲۳-۱۲۴/۲
- کدام گزینه غلط است؟ ج ۶۱-۶۰/۱  
 ا. الوصیة بالحجّ مطلقاً من غير تعيين مال، ينصرف إلى أجرة المثل إذا لم يوجد من يأخذ أقل منها ☐  
 ب. لو حجّ الفاسق عن غيره أجزأ عن المنوب عنه في نفس الأمر و يجب استنابة غيره لو كان واجباً ☐  
 ج. يجب ترك نيابة المرأة الصرورة ☒  
 د. يكفي في الوصیة بالحجّ مع الاطلاق، المرأة ☐
- محلّ الشهادة على الشهادة، حقوق الناس ... د ۲/۱۲۷  
 ا. إذا كان مالاً لا عقوبة ولا حقاً غير مالى ☐ ب. إذا كان عقوبة أو حقاً غير مالى لا مالاً ☐  
 ج. إذا كان عقوبة أو مالاً لا حقاً غير مالى ☐ د. سواء كانت عقوبة أو حقاً غير مالى أو مالاً ☒

تشریحی

\* العمرة مستحبة مع قضاء الفريضة في كل شهر و في التقييد بقضاء الفريضة اشارة الى عدم جوازها ندباً مع تعلّقها بذمته وجوباً لأنّ الاستطاعة للمفردة ندباً يقتضى الاستطاعة وجوباً غالباً. ۵۸۴-۵۸۵/۱

۱. ا. تقييد استحباب عمره به قضاء فريضه چه معنایی را می‌فهماند؟ ب. کلمه «غالباً» اشاره به چه مطلبی دارد؟  
 ا. یعنی اگر عمره مفردة واجب به گردن شخصی بود، نمی‌تواند عمره مستحبی به جا آورد ب. غالباً کسی که بتواند عمره مستحبی انجام دهد متمکن از انجام عمره واجب هم خواهد بود اما گاهی می‌شود که عمره مستحبی ممکن است اما عمره واجب بر شخص لازم نشده است (مثل این که کسی با تکلف و مشقت عمره مستحبی انجام می‌دهد اما چون خرجی قطع مسافت ندارد عمره بر او واجب نشده است).

۲. قطع طواف واجب در چه صورتی موجب بطلان آن می‌شود و در چه صورتی موجب بطلان آن نمی‌شود؟ ۵۰۲/۱  
 یا قطع بعد از چهار شوط است یا قبل از آن، اگر کمتر از چهار شوط قطع کرده باشد مطلقاً چه به خاطر ضرورت و چه غیر آن طواف باطل است و باید از سر بگیرد بنابر آن که بعد از چهار شوط باشد تازه به خاطر ضرورت و اموری مانند نماز واجب و ... طواف را قطع می‌نماید که طوافش صحیح و عند المراجعة باید از محلّ قطع تکمیل نماید اما اگر بی جهت قطع کرد باید آن را از سر بگیرد و طواف باطل است.

\* و لا يجزى الهدى الواحد إلّا عن واحد و لو عند الضرورة على الأصحّ. و قيل: يجزى عن سبعة و عن سبعين أولى خِوانٍ واحد. و قيل: مطلقاً، و به روايات محمولة على المندوب جمعاً، كهدى القرآن قبل تعيينه، و الأضحىّة.

۵۳۴/۱

۳. أ. مراد از «مطلقاً» چیست؟ ب. وجه حمل روایات مطلقه بر مندوب چیست؟

أ. مطلقاً کفایت می‌کند چه در حال ضرورت و چه در غیر آن، و چه هم سفره باشند و چه نباشند ب. وجه حمل: دسته‌ای از روایات تصریح نموده‌اند که یک قربانی کفایت از چند نفر نمی‌نماید، لذا روایات مجوّزه را به خاطر جمع دادن بین روایات و طرح نکردن یک دسته از روایات، باید حمل کرد روایات مجوّزه را بر قربانی مستحب مثل قربانی حج قران و با اضحیّه.

۴. أ. در عبارت «و يحرم عليه (الحاكم) أن يتعتع الشاهد» معنای لغوی «التعتعة» چیست؟ ب. مراد از «أن يتعتع الشاهد» را بیان کنید. ۹۱/۲

أ. معنای لغوی «تعتعة» تردّد در کلام می‌باشد یعنی لرزیدن در سخن، یعنی در حین سخن نتواند خوب حرف بزند ب. معنای اصطلاحی فقهی «تعتعة» این است که در شهادت شاهد، قاضی مداخله کند، به این صورت که کلماتی را داخل شهادت شاهد کند که شاهد را در تردّد واقع سازد و یا در غلط بیندازد.

\* في النذر ولا يدّ من كون الجزاء طاعة والشرط سائغاً إن قصد الشكر. ۲/۶۴

۵. أ. عبارت را شرح دهید. ب. اگر قصد از نذر، زجر باشد، منذور چه شرطی دارد؟

أ. جزاء نذر باید طاعت باشد و اگر مقصود از جزاء شکر باشد شرط باید جائز باشد.

ب. شرط باید معصیت باشد یا مباحی باشد که منع در آن راجح باشد.

۶. زمان اختیاری و اضطراری وقوف در هر یک از عرفه و مشعر را بنویسید. ۱/۵۲۲

فاختیاری عرفه ما بین الزوال والغروب، و اختیاری المشعر ما بین طلوع الفجر و طلوع الشمس. و اضطراری عرفه لیلة النحر من الغروب إلى الفجر و اضطراری المشعر من طلوع شمسهِ إلى زوالهِ وله اضطراری آخر أقوى منه وهو اضطراری عرفه لیلة النحر.

۷. أ. قاضی تحکیم را تعریف کنید. ب. چرا در زمان غیبت، قاضی تحکیم متصوّر نیست؟ ۲/۷۶

أ. قاضی التحکیم وهو الذی تراضی به الخصمان لیحكم بينهما مع وجود قاضٍ منصوب من قبل الإمام (علیه السلام).

ب. إن قاضی التحکیم لا يتصور فی حال الغیبة لأنّه إن کان مجتهداً نفذ حکمه بغير تحکیم وإلّا لم ینفذ حکمه مطلقاً اجماعاً.

\* لا تقبل شهادة المتبرّع باقامتها قبل استئطاق الحاكم سواء كان قبل الدعوى أم بعدها للتهمة بالحرص على الأداء ولا يصير بالردّ مجروحاً ...

۸. أ. عبارت را توضیح دهید. ب. مراد از «عدم مجروحیت» را بنویسید. ۲۵۴

أ. هرگاه شاهد قبل از این که حاکم از او طلب شهادت کند، شهادت خود را بدهد، از او قبول نمی‌شود چه مدّعی دعوای خود را مطرح کرده باشد یا نه چون در معرض اتهام واقع می‌شود. ب. مراد از عدم مجروحیت: شاهد به واسطه ردّ این شهادتش، از اعتبار نسبت به شهادت در وقائع دیگر، ساقط نمی‌شود.

۹. وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» را با دلیل عقلی ثابت کنید. ۲۲۴

عقل می‌گوید امر به معروف و نهی از منکر لطف است و لطف، طبق قاعده عدل واجب است و لطف یعنی چیزی که عبد را به اطاعت نزدیک می‌کند و از معصیت دور می‌کند و خداوند که غرضش تعلّق گرفته به این که معروف اتیان شود و منکر ترک شود و می‌داند که اگر امر و نهی نکند از عبد مراد خدا حاصل نمی‌شود پس باید انذار و تخویف کند به مخالفت و بنا بر قاعده لطف امر به معروف و نهی از منکر بر ما هم واجب می‌شود زیرا امر و نهی ما هم فردی از افراد لطف است.